

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنّت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلّم

صمد عبداللّهی عابد

عضو هیأت علمی دانشگاه آذربایجان

و دانشجوی دکتری دانشگاه قم

چکیده

تفسیر قرآن به سنّت، در مرحله بعد از تفسیر قرآن به قرآن و در امتداد آن است و معنی آن دو با هم به نحو لازم و ملزوم، یعنی حجّیت قرآن، به دلیل کلام خدا بودن، ذاتی است ولی حجّیت سنّت را خدا در قرآن تجویز فرموده است. بدان سبب که نمی توان همه آیات قرآن را با خود قرآن تفسیر کرد و لازمه اش کفایت قرآن و بی نیازی از سنّت و اهل بیت علیهما السلام است، لذا چاره ای جز رجوع به سنّت معصومان علیهما السلام برای تفسیر قرآن نیست که خود از بهترین و ضروری ترین راه های شناخت کلام خدا و یکی از منابع تفسیر آن است. بحث ما بررسی یکی از روش های تفسیری امام علی علیه السلام است و ایشان تنها معصومی است که از

رسول خدا روایت فرمود، بنابراین مقصود ما در این مقاله، احادیث تفسیری است که امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است و آن اقسامی دارد که از آن جمله است: تفسیر قرآن با تکیه بر فضیلت آیات؛ بیان معانی کلمات و اصطلاحات و بیان مقصود؛ بیان مصداق (مصداق انحصاری، مصداق اکمل و یکی از مصداقین)؛ تفصیل مطالب و داستان‌های قرآنی؛ بیان تأویل آیه؛ بیان شأن نزول آیه؛ بیان امور تاریخی و پیشگویی آینده؛ تطبیق؛ تمثیل؛ و امثال ذلک.

واژه‌های کلیدی: تفسیر، قرآن، سنت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، تأویل و تمثیل.

مقدمه

یکی از روش‌های تفسیری معصومان علیهما السلام، تفسیر قرآن با سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومان علیهما السلام است. حق تعالی تعلیم کتاب و حکمت و تبیین معارف الهی و تزکیه نفوس را به عهده انبیای خود و بخصوص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گذاشته است. خدا، خود را تالی آیات (تَلَّوْا عَلَیْکَ مِنْ تَبِیُّ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ) (قصص/ ۳)، مُبِیِّن آیات، هادی سنت‌ها (نساء/ ۲۶ و ۱۷۶) و مزکی نفوس (نساء/ ۴۹) معرفی فرموده است و همین اوصاف سه‌گانه را به رسول خدا استناد می‌دهد (: بقره/ ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲). چنان‌که تبیین را به طور عام از خصایص نبوت عام می‌داند (وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا یَلْسَنُ قَوْمِهِ لِیُبَیِّنَ لَهُمْ) (ابراہیم/ ۴) و همین معنا را به طور خاص به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مأموریت می‌دهد: وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَیْکَ الْکِتَابَ إِلَّا لِیُبَیِّنَ لَهُمُ الَّذِی اخْتَلَفُوا فِیهِ (نحل/ ۶۴)؛ وَ أَنْزَلْنَا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِیُبَیِّنَ لِلنَّاسِ

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ (نحل/۴۴).

تفسیر قرآن کریم به سنت گرچه لازم است، ولی در مرحله بعد از تفسیر قرآن به قرآن و در امتداد آن قرار دارد و البته آن دو لازم و ملزوم هم‌اند. یعنی آنچه در وهله نخست حجّت است، کلام خدا است و در ثانی آنچه باری تعالی در قرآن حجّت قرار داد، یعنی همان سنت معصومان علیهما السلام، مدیون حجّیت قرآن شریف است (جوادی آملی ۱۳۷۸ هـ ش. ج ۱. ص ۱۳۱-۱۳۳).

تعریف سنت

سنت، در اصطلاح، عبارت از قول و فعل و تقریر معصوم علیه السلام است (مشکینی ۱۴۰۹ هـ ق. ص ۱۴۱؛ مامقانی ۱۳۶۹ هـ ش. ص ۱۲) که اهل سنت آن را منحصر در رسول خدا می‌دانند و امامیه آن را به ۱۴ معصوم علیهما السلام تعمیم می‌دهند، ولی چون بحث ما در اینجا در خصوص روش‌های تفسیری امام علی علیه السلام است، مقصود از سنت در این نوشتار نیز سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود. چرا که امام المتّقین علی علیه السلام به غیر از ایشان، از معصوم دیگری نقل حدیث نمی‌کرده است.

اقسام تفسیر به سنت نبوی

تفسیر به سنت نبوی به توسط حضرت علی علیه السلام، فراوان وجود دارد و این بدان سبب است که ایشان شاگرد خصوصی و ممتاز رسول خدا بوده و تعالیم حضرت را نیز بیشتر و بهتر از همه صحابه دریافت نموده است. اما روایاتی که امام علی علیه السلام در تفسیر آیات از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است، اقسامی دارد که بدین شرح می‌توان آنها را برشمرد:

۱. تفسیر قرآن کریم با تکیه بر فضیلت آیات

در میان روایات معصومان علیهما السلام، گاهی روایاتی دیده می‌شود که در آنها به فضایل و آثار برخی از آیات و سُور اشاره شده است و در این خصوص، علی علیه السلام چند روایت را از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱.۱. به طور مستند از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود (شیخ صدوق ۱۴۱۷ هـ. ق. ص ۲۴۰. ح ۳/۲۵۵. مجلس ۳۳؛ بحرانی ۱۴۲۷ هـ. ق. ج ۱. ص ۹۹-۱۰۰؛ مجلسی ۱۳۶۶ هـ. ش. ج ۸۵. ص ۲۱):

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، آیه‌ای از فاتحة الكتاب است و آن هفت آیه است که اتمامش با بسم الله الرحمن الرحيم است. از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود:

خدای عزّ و جلّ به من فرمود: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ» و یقین هفت [آیه از سوره حمد را با نزول دوباره] و قرآن بزرگ را به تو دادیم» (حجر/۸۷). پس به ازای فاتحة الكتاب، جداگانه بر من مَثَّ نهاد و آن را در مقابل قرآن قرار داد و همانا فاتحة الكتاب، اشرف آنچه است که در گنج‌های عرش است و همانا خدای عزّ و جلّ، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را با فاتحة الكتاب اختصاص داد و شرف بخشید و در آن هیچ یک از پیامبرانش را، به غیر از سلیمان علیه السلام، شریک نکرد. خدا به سلیمان علیه السلام، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را از سوره حمد عطا کرد. آیا نمی‌بینی وقتی که از بلقیس حکایت می‌کند که گفت: «إِنِّي آتِي إِلَى كِتَابِ كَرِيمٍ، إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، در واقع، نامه ارجمندی به سویم افکنده شده است؟ آن [نامه] از سلیمان است و آن [نوشته چنین است]: به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز (نمل / ۲۹ و ۳۰). آگاه باشید! هر کس

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

آن را قرائت کند، در حالی که به موالات محمد و آل پاکش معتقد باشد، مطیع امرشان باشد و به ظاهر و باطن [گفتار] شان مؤمن باشد، خدای عزّ و جلّ در مقابل هر حرف از آن، یک حسنه می دهد که هر کدام از آنها بهتر است از دنیا و آنچه از اصناف اموال و خیرات در آن است، و هر کس گوش کند به کسی که آن را قرائت می کند، یک سوم اجر قاری برای او است. پس هر یک از شما این خیری که در دسترس تان قرار داده شده است، بسیار قرائت کند؛ چرا که آن غنیمت است. بنابراین وقت و فرصت آن از دست نرود، زیرا حسرت آن در دل هایتان می ماند.

۲۰۱. همچنین به طور مسند از مولای متقیان علی علیه السلام وارد شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خدای تبارک و تعالی می فرماید (شیخ صدوق. همان. ص ۲۳۹. ح ۱/۲۵۳. مجلس ۳۳؛ فیض کاشانی ۱۴۱۹ ه. ق. ج ۱. ص ص ۱۲۹-۱۳۰؛ امام حسن عسکری علیه السلام ۱۴۰۹ ه. ق. ص ص ۵۸ و ۵۹؛ مجلسی. همان. ج ۸۵. ص ص ۶۰ و ۴۷):

فاتحة الكتاب را بین خود و بنده ام تقسیم کرده ام. نصفش برای من و نصف دیگر برای بنده ام است و او اجازه دارد که هر چه می خواهد بپرسد. وقتی که بنده «بسم الله الرحمن الرحیم» می گوید، خدای جلّ جلاله می گوید: «بنده ام با نام من شروع کرد و بر من واجب است که کارش را تمام کنم و در احوالش برکت دهم»، و وقتی می گوید: «الحمد لله رب العالمین»، خدای جلّ جلاله می فرماید: «بنده ام مرا حمد و سپاسگزاری کرد و دانست که نعمت هایش از سوی من است و بلاهایی که از او دفع کردم با تطوّل من است، [سپس] من شهادت می دهم که نعمت های آخرت را به نعمت های دنیا [یش] اضافه کنم و بلاهای آخرت را از او دفع می کنم؛ همان گونه که بلاهای دنیا را دفع کردم»، و هنگامی که بگوید: «الرحمن الرحیم»، خدای جلّ جلاله می گوید: «[بنده ام] شهادت داد که من رحمن و رحیم هستم، من نیز شهادت



می‌دهم که بهره‌اش را از رحمتم فراوان سازم و نصیبش را از عطایم بزرگ گردانم»، و وقتی که بگوید: «مالک یوم الدین»، خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: «شهادت می‌دهم همان‌گونه که اعتراف می‌کنم مالک روز دین هستم، حسابش را در روز حساب، آسان می‌گردانم و حسناتش را قبول می‌کنم و از سیئاتش می‌گذرم»، و آن‌گاه که بگوید: «ایّاک نعبد»، خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: «بنده‌ام راست گفت، او تنها مرا عبادت می‌کند. [پس] شهادت می‌دهم که برای عبادتش ثوابی دهم که همه کسانى که با عبادتش برای من مخالفت کردند، غبطه می‌خورند»، و وقتی که بگوید: «وَ ایّاک نستعین»، خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: «از من کمک خواست و به من پناه آورد. شهادت می‌دهم که در کارها او را کمک می‌کنم و در سختی‌ها به دادش می‌رسم و در روز سختی و مشکل، دستش را می‌گیرم»، و هنگامی که «اهدنا الصراط المستقیم» تا آخر سوره را بخواند، خدای جلّ جلاله می‌گوید: «و این، برای بنده‌ام است و برای او است آنچه خواست، بتحقیق برای بنده‌ام اجابت کردم و آنچه آرزو کرد، به او بخشیدم و ایمنش ساختم از آنچه از آن ترس داشت».

۳.۱. در تفسیر آیه کریمه ۲۲ از سوره مبارکه حشر: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ...» او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است، او گسترده‌مهر [او] مهرورز است. او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، فرمانروا، کاملاً پاک [از هر عیب و نقص]، سلامت‌بخش، ایمنی‌بخش نگرهبان، شکست‌ناپذیر، جبران‌کننده، بزرگ‌منش و منزّه است از آنچه شریک [او] قرار می‌دهند. او خدایی است آفریننده، آفریدگار [او] چهره‌پرداز [که] نام‌های نیکو فقط از آن او است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است او را تسبیح می‌گویند، و او شکست‌ناپذیر [او] فرزانه است - امام علی علیه السلام از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود:

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

یاری تعالی، ۹۹ اسم دارد. هر کس با آن اسم‌ها خدا را بخواند، برایش اجابت می‌شود و هر کس آنها را بشمارد، وارد بهشت می‌گردد.

شیخ صدوق معتقد است که مقصود از شمردن اسم‌های الهی، احاطه و وقوف بر معانی آن است (بحرانی. همان. ج. ۷. ص ۵۱۱ ح ۵؛ التوحید. ص ۱۹۵. ح ۹).

۲. بیان معانی کلمات و اصطلاحات و بیان مقصود

احادیث بسیاری از مولای متقیان علیه السلام نقل شده که آن حضرت معانی کلمات و اصطلاحات و مقصود از آنها را به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیان داشته است و ما در اینجا به چند مورد از آن می‌پردازیم:

۱.۲. امام علی علیه السلام درباره تفسیر آیه کریمه «فَلَمَّا لَقِيَ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» (بقره/ ۳۷)، و آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت کرد، از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال نمود و حضرت فرمود (سیوطی ۱۴۱۱ هـ.ق. ج ۱. ص ۱۱۹؛ هندی ۱۴۰۹ هـ.

ق. ج ۲. ص ۳۵۸ ح ۴۲۳۷):

... جبریل [پس از هبوط آدم، از سوی خدا] به آدم علیه السلام گفت: «چرا گریه می‌کنی؟» گفت: «چه چیزی مانع گریه‌ام شود؟ در حالی که از جوار خدای رحمان خارج شدم.» گفت: «بر تو باد این کلمات، خدا توبه تو را می‌پذیرد و گناحت را می‌آمرزد. بگو «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ»، خدایا به حق محمد و آل محمد از تو می‌خواهم، پاک و منزهی، خدایی جز تو نیست. بد کردم و به نفس خود ظلم نمودم، پس توبه‌ام را قبول کن که تو، توبه‌پذیر و مهربورزی. خدایا به حق محمد و آل محمد از تو می‌خواهم، بد کردم و به نفس خود ظلم نمودم، پس توبه مرا بپذیر که تو، توبه‌پذیر و

مهرورزی.

سپس فرمود:

اینها همان کلماتی است که آدم علیه السلام از [خدا] گرفت.

- ملاحظه می شود که در روایت مذکور، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

- کلماتی که خدا به آدم علیه السلام عطا فرمود، مشخص می کند.

۲.۲. حضرت علی علیه السلام پیراهنی خرید که آن را دوست می داشت، ولی در

- عین حال آن را بخشید و در این باره از رسول خدا نقل کرد که فرمود (فیض کاشانی.

- همان، ج ۲، ص ۷۷):

- هر کس، [دیگری] را بر نفسش مقدم بدارد، خدا نیز در روز قیامت بهشت را به او

- مقدم می سازد، و هر کس چیزی را دوست بدارد و آن را برای خدا قرار دهد،

حق تعالی در روز قیامت می فرماید: «بندگان بین خودشان به نیکی برخورد می کنند، و

من امروز تو را به بهشت پاداش می دهم».

در روایت مذکور که در تفسیر آیه شریفه «أَنْ تَتَّالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل

عمران/۹۲)، به نیکی نمی رسید تا از آنچه دوست می دارید، [در راه خدا] مصرف

کنید، نقل شده، بهشت به عنوان مصداق «بِرٍّ» تلقی شده است.

۳.۲. ابن مردویه در تفسیر آیه کریمه «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران/۱۵۹)، و

هنگامی که تصمیم گرفتی پس به خدا توکل کن، از علی علیه السلام نقل می کند

که در خصوص معنای «عزم»، به نقل از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

می فرماید (سیوطی. همان. ج ۲، ص ۱۶۰):

[عزم]، مشاوره با اهل رأی و تبعیت کردن از آنها است.

۴.۲. مردی از مولی الموحدين علیه السلام پرسید: ای امیر مؤمنان! ما را از امر به

معروف و نهی از منکر خبر بده که آیا واجب است؟ حضرت فرمود: آری! از

رسول خدا شنیدم که می فرمود:

خدا امت‌های قبل از شما را به دلیل ترک امر به معروف و نهی از منکر، هلاک کرد. خدای عزّ و جلّ می فرماید: «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده / ۷۹)، همواره از [کارهای] ناپسندی که آن را انجام می دادند، یکدیگر را منع نمی کردند. واقعاً همواره کار ناپسندی انجام می دادند.

آن گاه برای تبیین دو واژه امر به معروف و نهی از منکر فرمود (محمودی. ج ۱. ص ۳۹۰-۳۹۲، به نقل از: هندی. همان. ج ۸. ص ۲۱۵. ج هند؛ نیز خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه؛ نیز کتاب الاحتجاج طبرسی. ج ۱. ص ۲۴۶. ج نجف):

امر به معروف و نهی از منکر، دو اخلاق از اخلاق‌های خدای عزّ و جلّ است. پس هر کسی آن دو را یاری رساند، خدا او را یاری کند و هر کس آن دو را خوار نماید، خدا خوارشان سازد و اعمال پرّ و جهاد در راهش به هنگام امر به معروف و نهی از منکر نیست، جز مانند بقعه‌ای ژرف و پهناور. پس امر به معروف و نهی از منکر کنید، چرا که امر به معروف و نهی از منکر، آجل را نزدیک نمی سازد و روزی را کم نمی کند و برترین جهادها، [گفتن] کلمه عدل پیش امام ظالم است....

۵.۲. از امام علی علیه السلام در معنای آیه کریمه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» (انعام / ۱۵۸)، آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سویشان آیند، یا پروردگارت بیاید، یا برخی از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟!، نقل شده است که می فرماید: رسول خدا ضمن خطبه‌ای به ما فرمود (احمد بن علی طبرسی. ۱۳۸۹ هـ. ش. ج ۱. ص ۳۲۹-۳۳۰؛ حویزی. ج ۱. ص ۷۸):

آیا منافقان و مشرکان انتظار می‌کشند، جز اینکه ملائکه پیششان آیند و آنها را ببینند، یا اینکه پروردگارت و یا بعضی از آیات پروردگارت بیاید و مقصودش از آن، «امر

پروردگارت» است و «آیات»، همان عذاب در دنیا است، همان گونه که امت‌های

پیشین و قرن‌های گذشته را عذاب کرد؟

در اینجا، امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که مقصود از «آیات»، امر و عذاب الهی است.

۶.۲. حکیم ترمذی و ابن مردویه در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/۹۶)، مسلماً کسانی که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، بزودی [خدای] گسترده‌مهر، برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد، از علی علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود: «از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردم که مقصود از «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» چیست و ایشان فرمود» (سیوطی. همان. ج. ۴. ص ۵۱۲):

[مقصود از آن] محبت در دل‌های مؤمنان و ملائکه مقرب است. ای علی! خدا سه

چیز به مؤمن عطا می‌کند: محبت، حلاوت و مهابت در دل‌های صالحین.

ملاحظه می‌شود که در روایت مذکور، مقصود از «وُدِّ» از زبان پیامبر گرامی

اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده است.

۷.۲. ابن بابویه، با سندش از امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانش، از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا در تفسیر آیه کریمه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنثَىٰ بِإِمامِهِمْ» (اسراء/۷۱)، [یاد کن] روزی را که [هر گروهی از] مردم را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم، فرمود (سیوطی. همان. ص ۳۵۱):

هر قومی با امام زمانشان و کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان خوانده می‌شود.

۸.۲. مردی از امیر مؤمنان علیه السلام سؤال کرد که آیا درباره فتنه از رسول خدا پرسش کرده است؟ حضرت در پاسخ فرمود: «[آری] هنگامی که خدا آیه شریفه «الْمُ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/۱ و ۲)، الف، لام،

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

میم. آیا مردم پنداشتند همین که بگویند: «ایمان آوردیم» رها می شوند، در حالی که آزمایش نمی شوند؟! را نازل فرمود، دانستم آن فتنه و آزمایش تا زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در بین ما است نازل نمی شود. از همین رو عرض کردم: ای رسول خدا! منظور از این آزمایش و فتنه چیست که خدا تو را از آن آگاه ساخته است؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای علی! بعد از من، امتم در بوته آزمایش قرار می گیرند». عرض کردم: «ای رسول خدا! [در باره شهادت من چه می فرمایید؟] مگر در جنگ اُحُد، بعد از آنکه جمعی از مسلمانان شهید شدند و من به شهادت نرسیدم و این امر بر من سخت آمد، به من نفرمودی: «بشارت باد بر تو که شهادت از پی تو است؟» رسول الله فرمود: «مطلب همان گونه است که گفته ام. ولی بگو در آن هنگام، چه گونه صبر خواهی کرد؟» عرض کردم: «ای رسول خدا! این از موارد صبر نیست [زیرا صبر در مصیبت است]، بلکه از موارد بشارت و شکر است».

حضرت علی علیه السلام در قسمت آخر خطبه و در ادامه نقل کلام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص فتنه و آزمون بزرگ که بعد از آن حضرت رخ می دهد، می فرماید: «آن حضرت [به من] فرمود (نهج البلاغه. خطبه ۱۵۶):

ای علی! مردم بعد از من با دزایی شان آزمایش می شوند. دیندار بودن را متنی به خدا قرار می دهند و [با اینکه مرتکب گناهان بزرگ می شوند]، انتظار رحمت از حق تعالی دارند و خود را از خشمش در امان می بینند. حرام خدا را با شبهات دروغین و هوس های غفلت زا حلال می شمردند. شراب را به نام «نبیذ» و رشوه را به نام «هدیه» و ربا را به اسم «تجارت»، حلال می پندارند.

به این ترتیب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روایت مذکور، پنج

مورد از موارد فتنه را نیز بر شمرده که عبارت است از:

الف. مال پرستی و تکاثر.

ب. غرور بی دلیل و رُخ کشیدن مسلمانی شان. گویا متنی بر خدا دارند و با تمام آلودگی‌ها، خود را مشمول رحمت پروردگار و در امان از عذاب او می‌پندارند. قرآن درباره گروهی از اعراب تازه‌مسلمان که همین صفات را داشتند می‌فرماید (حجرات/ ۱۷):

يَتَّبِعُونَكَ أَنْ أَنْسَلَمُوا قُلْ لَا تَتَّبِعُوا عَلٰى إِسْلَامِكُمْ بَلِ اللهُ يَتَّبِعُ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ
لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند. [ای پیامبر!] بگو: «اسلام آوردنتان را بر من منت منهد، بلکه خدا به شما منت می‌نهد که شما را به ایمان رهنمون شد؛ اگر [در ایمان خود] راستگو هستید.

ج. حرام خدا را حلال و حلالش را حرام می‌کنند. بدین معنا که برای مثال به سراغ شراب می‌روند و وقتی به آنها گفته می‌شود که شراب از محرّماتِ مسلم است، می‌گویند: «این همان نبیدی است که رسول خدا از آن می‌نوشید، در حالی که آن نبید نه مُسکِر بود و نه حرام. بلکه هنگامی که یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از ورود به مدینه، از سرمای طبیعت آب مدینه و ناراحتی‌های گوارشی شکایت کردند حضرت به آنها فرمود: «چند دانه خرما درون خمره آب بریزید تا مشکل شما برطرف گردد». پس آن آب، نه مضاف شد و نه خرما در حدی بود که آب مُسکِر شود و لذا از آن می‌نوشیدند و بدان وضو می‌گرفتند، ولی برخی از گمراهان آن را بهانه کردند و مقدار بیشتری خرما در آب می‌ریختند و آن را در جای گرمی قرار می‌دادند تا تخمیر و به مُسکِر تبدیل شود و سپس آن را به نام نبید می‌نوشیدند (کلینی ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۱۶، ح ۳).



علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

د. رشوه را هدیه خواهند نامید! و این کار زشت، چنان شایع شده بود که حتی نزد امام علی علیه السلام هم رفتند و حضرت فرمود: «آیا [با تغییر کلمه،] به فریفتن من آمده‌ای؟!» (جعفری ۱۳۵۷-۱۳۷۸ ه.ش. ج ۲۶. ص ۲۸-۲۹)

ه. به نام خرید و فروش، رباخواری خواهند کرد!.... ربا را حلال می‌شمردند، به گونه‌ای که از حدیث معروف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز کاملاً احساس می‌شود که می‌فرماید (مکارم شیرازی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ ه.ش. ج ۶. ص ۱۵۸-۱۵۹؛ توری ۱۴۰۸ ه.ق. ج ۱۳. ص ۳۳۳):

زمانی بر مردم می‌رسد که ربا دامن همه را می‌گیرد [و] گرد و غبار آن حتی بر دامن کسانی که از آن برکنارند، می‌نشیند.

علامه مجلسی (ج ۳۲. ص ۲۴۳) و ابن ابی الحدید (ج ۹. ص ۲۰۶) حدیثی مفصل‌تر از آنچه در نهج البلاغه مذکور است، آورده‌اند که رسول خدا فرمود: اَمَّتْ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَتَّبِعُونَ رِبَايَ، و این معنی می‌شود، قرآن را مطابق میل خود تفسیر می‌نمایند (و به هر بهانه‌ای حرام خدا را حلال می‌کنند)، شراب را به بهانه نبیذ، حرام و رشوه را به صورت هدیه، و ربا را به نام بیع مجاز می‌شمردند، کتاب خدا را تحریف معنوی می‌کنند و سخن گمراهان غلبه می‌کند. تو در آن روز در خانه بنشین تا زمانی که به حکومت رسی، ولی هنگامی که حکومت در دست تو قرار گرفت حسد در سینه‌ها به حرکت در می‌آید و [مخالفان و حاسدان] کارهای تو را به هم می‌ریزند [ولی تو استقامت کن].

در روایت و خطبه مورد بحث، مشاهده می‌شود که مصداقی بارز از مفهوم‌های فتنه از زبان رسول الله بیان شده است.

۹.۲. قُرَاتِ كُوفِي (ص ۱۵۹) به طور مسند ذیل تفسیر آیه کریمه «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ» (فتح/۲)، تا خدا آنچه از پیامد [کار] تو مقدم شده و آنچه

مؤخر شده است، برایت بیامرزد، از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که فرمود (مجلسی. همان. ج ۱۷. صص ۹۰ و ۲۱):

وقتی که این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، فرمود: «ای جبریل! گناه گذشته و گناه باقی مانده کدام است؟» جبریل گفت: «گناهی برای تو نیست تا بر تو بینشد».

علامه مجلسی (ص ۹۱) در توضیح روایت، آورده است:

شاید مقصود این است که مراد، گناه تو نیست. چرا که تو گناهی نداری، بلکه مراد، گناه امت تو، یا نسبت دادن گناه به تو از جانب مشرکان است و یا چیزی دیگر.

بنابراین در روایت مذکور، با بیان جمله «گناهی برای تو نیست تا بر تو بینشد»، رفع ابهام شده است.

۱۰۲. از مولی الموحدین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «تزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که به چهره‌هایمان نگرست و فرمود: «هیچ کدام از شما نیست، مگر اینکه جایگاهش را در بهشت و جهنم می‌دانند». سپس این سوره را تلاوت فرمود: «وَ الْبَلِّ إِذَا تَنْشَى... إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى. فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى. وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى». آن‌گاه فرمود: «مقصود از «یسری»، راه بهشت است» و سپس ادامه داد: «وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى. وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى...» (لیل / ۱-۱۰)، و اما کسی که عطا کند و خود نگهداری (و پارسایی) نماید و [وعدۀ] نیکو [ی پاداش رستاخیز] را تصدیق کند، پس بزودی [راه] آسان را برای او فراهم می‌کنیم، و اما کسی که بخل ورزد و توانگری نماید و [وعدۀ] نیک (پاداش رستاخیز) را تکذیب کند، پس بزودی [راه] دشوار را برای او فراهم می‌کنیم. آن‌گاه فرمود: «[مقصود از «عسری»]، راه آتش است» (سیوطی. همان. ج ۶. ص ۶۰۶؛ هندی. همان. ج ۲. ص ۵۵۲. ح ۴۷۰۶).



علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

در این روایت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقصود از یسری و عسری را بهشت و جهنم دانسته است که از مصادیق بارز و اکمل آنها است. مسلم نیز با سندش، در حدیث مشابهی، از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که می‌فرماید: نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم که فرمود: کسی از شما نیست، جز اینکه خدا جایگاهش را در بهشت و جهنم نوشته و شقی و سعید بودنش را نیز نوشته است.

مردی پرسید: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم! آیا بر کتابمان مکث نمی‌کنیم و عمل را رها می‌کنیم؟ حضرت فرمود:

- هر کس از اهل سعادت باشد، به سوی عمل اهل سعادت می‌چرخد، و هر کس از اهل شقاوت باشد، به سوی عمل اهل شقاوت می‌گردد. اما بر اهل سعادت، عمل اهل سعادت آسان می‌گردد، و اما بر اهل شقاوت، عمل اهل شقاوت سهل می‌شود.



سپس آیات «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ... (لیل/۵-۱۰) را قرائت فرمود (هندی. همان. ج ۱. ص ۳۴۱ ح ۱۵۵۲؛ احمد بن حنبل. ج ۱. ص ۱۳۲؛ قبانجی ۱۴۲۱ هـ. ق. ج ۲. ص ۳۰۹، به نقل از صحیح مسلم. ج ۸. ص ۴۶؛ صحیح بخاری. ج ۲. ص ۱۲۰؛ هندی. همان. ص ۱۱۵ ح ۵۲۸، نیز ص ۳۴۳ ح ۱۵۵۳؛ فخر رازی ۱۴۱۷ هـ. ق. ج ۱۱. ص ۱۸۴).

۱۱.۲. روایات متعددی از علی علیه السلام به نقل از رسول خدا در تبیین «لیلة القدر» رسیده است که برخی از آنها عبارت است از:

الف. «لیلة القدر» (قدر/۱)، شبی است که خدا در آن، آنچه تا روز قیامت مقدر می‌شود تقدیر کرد، و از آن جمله است ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان تو تا روز قیامت» (شیخ صدوق ۱۳۶۱ هـ. ش. ص ۳۱۵ ح ۱).

ب. «هر کس شب قدر را احیا کند، گناهانش آمرزیده می‌شود؛ هر چند به تعداد ستارگان آسمان و به سنگینی کوه‌ها و به اندازه دریاها باشد» (حرّ عاملی

۱۴۱۶ هـ. ق. ج ۸. ص ۲۱ ح [۱۰۰۲۱]؛ قبانجی. همان. ج ۲. ص ص ۳۱۳-۳۱۴، به نقل از
الاقبال. ص ۲۱۳؛ روضة الواعظین. ج ۲. ص ۳۲۹).

ج. «آن [شب قدر] را در دهه آخر ماه رمضان جست و جو کنید...» (تسمیمی
مغربی ۱۳۸۳ هـ. ق. ج ۱. ص ۲۸۲؛ نوری. همان. ج ۷. ص ۴۶۹ ح [۸۶۷۷]؛ مجلسی. همان.
ج ۹۷. ص ص ۱۰ و ۱۲).

د. «شب قدر را در دهه آخر رمضان جست و جو کنید و اگر در اوایل آن مغلوب
شدید (به ثوابی دست نیافتید). [پس آگاه باشید که] در بقیه آن مغلوب واقع
نشوید (و ثوابش را درک کنید)» (احمد بن حنبل. همان. ج ۱. ص ۱۳۳، در مسند علی علیه
السلام).

ه. «به هنگام برآمدن ماه از منزل خارج شدم، به گونه‌ای که ماه غلاف خود را
برطرف کرده بود. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «این شب،
شب قدر است»» (احمد بن حنبل. همان. ج ۱. ص ۱۰۱، در مسند علی علیه السلام).
و. «رسول خدا را در دهه آخر ماه رمضان بیدار می فرمودند و وقتی که دهه
آخر ماه می شد، خود و اهلش به این امر (بیداری شب) عادت داشتند» (قبانجی.
همان. ج ۲. ص ۳۱۵، به نقل از مجمع البیان. ج ۵. ص ۵۱۸).

ز. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:
«ای برادر و وصی و ولی من، بعد از من برای امتم و دشمن دشمنانم روزی که
مبعوث می شوند! این سوره برای تو پس از من و برای فرزندان تو بعد از تو است.
جبریل علیه السلام که برادرم از میان ملائکه است، پیشامدهای امتم را برایم
بازگو کرد و او همانند وقایع نبوت، آن را برای تو بازگو می کند و برای آن، نور
تابنده‌ای است که در قلب تو و اوصیای تو، تا طلوع فجر قایم می درخشد»
(بحرانی. همان. ج ۸. ص ۳۴۱ ح ۲۴، به نقل از استرآبادی در تائیل الآیات. ص ۷۹۳).

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

۱۲۲. اصْبِغْ بِنِ بَاتِهَ از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که فرمود (بحرانی).

همان، ج ۸، ص ۴۰۴، ح ۱۲؛ طوسی ۱۳۸۴ ه. ق. ج ۱، ص ۳۸۶، جزء ۱۳):

هنگامی که آیه شریفه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (کوثر/۲) بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، فرمود: «ای جبرئیل! این چه نحیره‌ای است که پروردگارم به من دستور داده است؟» گفت: «ای محمد! آن نحیره (قربانی) نیست، آن، بلند کردن دستان در نماز است».

در حدیث دیگری آمده است که جبرئیل در پاسخ رسول خدا بتفصیل گفت:

مقصود از آن، نحیره (قربانی) نیست، و لکن به تو دستور می‌دهد هنگامی که تکبیره الاحرام می‌گویی، دست‌هایت را بلند کنی و وقتی که رکوع کردی و سر از رکوع برداشتی و آن‌گاه که سجده کردی، [دستانت را بلند کنی]. آن، نماز ما و نماز ملائکه در آسمان‌های هفتگانه است، [پس] هر چیزی زینتی دارد و زینت نماز، بلند کردن دست‌ها در هر تکبیری است.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

بلند کردن دست‌ها از استکانت است.

علی علیه السلام پرسید:

استکانت چیست؟ رسول خدا فرمود: آیا این آیه را نخواندی: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ

مَا يَتَضَرَّعُونَ»؟ (مؤمنون/ ۷۶)، و آنان در برابر پروردگارشان تسلیم نگشتند و

فروتن نشدند.

طبرسی می‌گوید که ثعلبی و واحدی نیز این حدیث را در تفاسیرشان

آورده‌اند (حویزی، همان، ج ۵، ص ۶۸۳، ح ۱۹؛ فضل بن حسن طبرسی ۱۴۰۸ ه. ق. ج ۱۰، ح

۸۳۷).



۳. بیان مصداق

گاهی حضرت علی علیه السلام، مصداق انحصاری یا اکمل و یا یکی از مصداق‌های آیات و کلمات قرآنی را با استفاده از احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز بیان می‌دارد که ما در اینجا ذیل سه گروه و به اجمال به آنها می‌پردازیم:

۱.۳. مصداق انحصاری

در شماری از احادیث، مصداقی برای آیه یا کلمه بیان شده است که مصداق دیگری برای آن نیست، نظیر:

الف. عیاشی با سند خود از علی علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا در تفسیر آیه کریمه «وَالنَّجْمُ هُمْ يَسْتَدُونَ» (نحل/۱۶)، و آنان به وسیله ستاره [ها] رهنمون می‌شوند، فرمود: (عیاشی ۱۴۱۲ هـ. ق. ج ۳. ص ۵-۶. ح ۱۱/۲۳۷۱؛ بحرانی. همان. ج ۴. ص ۴۳۴. ح ۱۲؛ فیض کاشانی. همان. ج ۴. ص ۳۰۹):

آن، ستاره جدی است. چون آن ستاره‌ای است که از بین نمی‌رود و بنای قبله بر آن است و اهل خشکی و دریا به وسیله آن راهنمایی می‌شوند.

ب. امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث مناشده‌اش، به جمعی از صحابه فرمود:

شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا نمی‌دانید که پروردگار در سوره حج نازل کرد: «إِنَّمَا الَّذِينَ آمَنُوا ازكُفُوا وَ اشْجُدُوا وَ... وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (حج/۷۷ و ۷۸).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجده نمایید و... در [راه] خدا جهاد

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

کنید، آن گونه که حق جهاد [در راه] او است. او شما را برگزید و در دین [اسلام] بر شما هیچ تنگنایی قرار نداد. آیین پدرتان ابراهیم علیه السلام [را پیروی کنید]. آن (خدا) در این (قرآن) و پیش از [این در کتاب‌های الهی]، شما را مسلمان نامید تا فرستاده [خدا] گواه بر شما باشد و [شما] گواهان بر مردم باشید...

و سلمان برخاست و پرسید:

ای رسول خدا! چه کسانی‌اند که تو بر آنها شهیدی و آنان بر مردم شهیدند و خدا آنها را برگزید و حرجی در دین برای آنها نگذاشت، ملت (دین) پدرشان ابراهیم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
سیزده نفر به طور خاص از این آیه قصد شده‌اند، به غیر از این امت.
سلمان گفت:

ای رسول خدا! آنها را برای ما بشناسان.

رسول الله فرمود:

من و برادرم علی و یازده نفر از فرزندان من (فرزندان علی).

صحابه گفتند:

آری! قسم به خدا، این را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدیم. (بحرانی، همان.

ج ۵، ص ۳۲۳، ح ۹، به نقل از کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۱۷۴؛ ابن شهر آشوب

۱۴۱۲ هـ. ق. ج ۱، ص ۲۸۴؛ حویزی، همان، ج ۳، ص ۵۲۶، ح ۲۴۴)

۲۳. مصداق اکمل (بارز)

در برخی دیگر از احادیث، مصادیقی برای آیات یا کلمات قرآنی مذکور است که منحصر در آن مورد نیست، ولی به عنوان بیان مصداق اکمل و بارز ذکر شده و از آن جمله است:

الف. امام رضا علیه السلام به واسطه پدرانش از امام علی علیه السلام نقل می‌کند

که فرمود:

با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بعضی از کوچه‌های مدینه راه می‌رفتیم که پیر مردی بلندقد، پُریش و با فاصله دو شانه زیاد (چهارشانه)، به رسول خدا سلام کرد و خوشامد گفت و سپس رو به من کرد و گفت: «سلام بر تو ای چهارمین خلیفه و رحمت و برکات خدا بر تو باد. آیا چنین نیست ای رسول خدا؟» رسول الله فرمود: «آری چنین است» و سپس رفت. گفتم: «ای پیامبر آن چه چیزی بود که این شیخ گفت و تو تصدیق کردی؟» نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تو همچنانی و الحمد لله خدا در کتابش فرمود: *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً*» (بقره/۳۰)، در حقیقت، من در زمین جانشین [= نماینده‌ای] قرار می‌دهم، و مقصود از خلیفه مجعول، آدم علیه السلام است که خلیفه اول است و فرمود: «*يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ*» (ص/۲۶)، ای داود در واقع ما تو را جانشین [= نماینده خود] در زمین قرار دادیم، پس بین مردم بحق داوری کن، و او خلیفه دوم است. [آن‌گاه] سخن موسی علیه السلام را به هارون حکایت می‌کند که: «*اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ*» (اعراف/۱۴۲)، جانشین من در میان قومم باش و [امورشان را] اصلاح کن. پس او، هارون بود که موسی علیه السلام را در میان قومش خلیفه کرد و او سومین خلیفه بود، و [باز] حق تعالی فرمود: «*وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ*» (توبه/۳)، و [این آیات] اعلامی است از سوی خدا و فرستاده‌اش به مزدّم، در روز [عید قربان] حج بزرگ... پس تو، مؤذن از سوی پروردگار و رسولش بودی و تو، وصی و وزیر و قاضی دینم، و مؤدی از سوی من، و به منزله هارون از موسی علیه السلام هستی، جز اینکه بعد از من پیامبری نیست. پس تو چهارمین خلیفه هستی، همان گونه که آن شیخ به تو سلام کرد. آیا نمی‌دانی او کیست؟ گفتم: «نه». پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بدان



علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

که او برادرت خیزر علیه السلام است». (بحرانی. همان. ج ۳. ص ۳۶۸. ح ۳۴؛ شیخ

صدوق ۱۳۷۳ ه. ش. ج ۱. ح ۲۳. باب ۳۰. ح ۲۳)

در روایت مذکور، علی علیه السلام به عنوان اعلام‌کننده (مؤذن) معرفی می‌شود که به صورت مصداقِ اکمل آن مطرح است.

ب. سلیم بن قیس می‌گوید که مولای متقیان علیه السلام در حدیث مناشده‌اش فرمود: «شما را به خدای جلّ اسمّه قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که پروردگار آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» (توبه/۱۱۹) را نازل کرد و سلمان پرسید: ای رسول خدا! آیا آن، عام است یا خاص؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اما "مؤمنون" عام است، چرا که جماعت به آن امر شده‌اند و اما "صادقون" برای برادرم علی علیه السلام و اوصیای بعدش تا روز قیامت، خاص است؟» همه گفتند: «قسم به خدا آری [شنیدیم]» (بحرانی. همان. ج ۳. ص ۵۱۶. ح ۵، به نقل از کتاب سلیم بن قیس. ص ۱۷۳).

مشاهده می‌شود که در این حدیث، مصداقِ اکمل «راستگویان»، حضرت علی علیه السلام معرفی شده است.

ج. از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آیه کریمه «لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة» (حشر/۲۰)، اهل آتش و اهل بهشت مساوی نیستند، را تلاوت کرد و فرمود: «اصحاب بهشت کسی است که از من اطاعت کند و بعد از من، تسلیم علی بن ابی طالب شود و به ولایتش اقرار نماید و اصحاب آتش کسی است که ولایت را انکار کند و نقض عهد نماید و بعد از من با او بجنگد». (استرآبادی ۱۴۰۹ ه. ق. ص ۶۵۷؛ مجلسی. همان. ج ۲۴. ص ۲۶۱؛ شیخ صدوق. همان. ج ۱. ص ۵۷۱. ح ۲۲؛ بحرانی. همان. ج ۷. ص ۵۰۶. ح ۱؛ بشارة المصطفی. ص ۱۲۰؛ طوسی. همان. ص



۳۷۳. ح ۷۶۲

در اینجا، مصداق بارز و اکمل اصحاب بهشت و آتش، مقررین و منکرین ولایت علی علیه السلام شمرده شده‌اند.

د. عمّار یاسر از امام المتّقین علیه السلام شنیده بود که می‌فرمود (بحرانی. همان. ج ۸. ص ۵۲؛ استرآبادی. همان. ص ۶۷۴؛ هندی. همان. ج ۲. ص ۵۳۹. ح ۴۶۷۵): رسول خدا مرا خواند و فرمود: «آیا تو را بشارت ندهم؟» گفتیم: «چرا ای رسول الله و پیوسته مُبَشِّر به خیر بوده‌ام». فرمود: «خدا درباره تو آیه‌ای نازل کرده است». گفتیم: «و آن چیست ای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؟» فرمود: «جبریل علیه السلام نزد من آمد و خواند: «وَ جِبْرِیلُ وَ ضَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (تحریم/۴)، و بعد از آن، جبریل شایسته مؤمنان و فرشتگان، پشتیبان [او] هستند. پس تو و مؤمنان از بیت تو، صالحان هستید».

در روایت مذکور نیز علی علیه السلام و اهل بیتش، مصداق اکمل صالحان شمرده شده‌اند.

۳.۳. بیان یکی از مصادیق

گاهی در روایات معصومان علیهما السلام و بالأخص در روایت‌های علی علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مشاهده می‌شود که رسول خدا کلمه یا آیه‌ای را با ذکر مصداقی از مصادیق، بیان داشته است و ما در اینجا به فقراتی از آن اشاره می‌کنیم:

الف. امیر مؤمنان در وصیت خود به امام حسن علیه السلام و سایر اولادش، به هنگام شهادت، آیه شریفه «وَ اغْتَصِبُوا مِنِّي كُلًّا لِيَلِ اللهُ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳)، و همگی به ریسمان خدا تمسک جوید و پراکنده نشوید، را تلاوت کرد و سپس برای بیان یکی از مصادیق وحدت و عدم تفرقه فرمود (محمودی. همان. ج ۸. ص

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

۳۱۱، به نقل از مجلسی. ج ۹. ص ۶۲۲؛ الوقایع. ج ۲. ص ۵۹۰؛ تمیمی مغربی، و مشابه آن در: کافی. ج ۷. ص ۴۹. ج اخوندی. طهران. ح ۷ از باب ثالث از «کتاب وصایا»؛ مجلسی. همان. ج ۹. ص ۶۶۱؛ طبری. تاریخ الامم و الملوک. ج ۴. ص ۱۱۳. ج مصر؛ مقاتل الطالین. ص ۲۵؛ ابن ابی الحدید. همان. ج ۶. ص ۱۲۰، در شرح خطبه ۶۹؛ تاریخ ابن کثیر. ج ۷. ص ۳۲۷؛ و امثال ذلك):
چرا که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: «آشتی دادن بین دو نفر، بهتر از یک سال نماز و روزه است».

ب. ابن مردویه از امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود (هندی. همان. ج ۲. ص ۴۴۲. ح ۴۴۴۸؛ سیوطی. همان. ج ۴. ص ۱۱):
وقتی که آیه کریمه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد / ۲۸)، آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد، نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اینها کسانی اند که خدا و رسولش و اهل بیت رسولش را براستی، نه بدروغ، دوست بدارند و شاهد و غایب مؤمنان را دوست دارند. آری به یاد خدا است که یکدیگر را دوست می دارند».

علامه طباطبایی (ج ۱۱. ص ۳۶۷) روایت مذکور و روایات مشابه را از باب تطبیق مصداق بر عام دانسته است.

ج. مرحوم کلینی به طور مستند از عده ای از اصحاب از سلیم بن قینس نقل می کند که امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید که رسول خدا فرمود (کلینی. همان. ج ۲. ص ۳۲۳-۳۲۴. ح ۳؛ عیاشی. همان. ج ۳. ص ۶۰. ح ۱۰۵/۲۵۴۹؛ بحرانی. همان. ج ۴. ص ۵۷۹. ح ۹):

خدا بهشت را بر هر فحاش بی آبرو و کم شرم که باکی از آنچه می گوید و آنچه به او گفته شود ندارد، حرام کرده است؛ زیرا اگر از حالش بازرسی کنی، یا از زنا است یا از شرکت شیطان. گفته شد: «ای رسول خدا! آیا در میان مردمان، شرکت شیطان هم هست؟» حضرت فرمود: «آیا گفتار خدای عز و جل را نخوانده ای که [به شیطان]

فرمود: «و شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (اسراء/۶۴)، و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو؟

بنابراین در روایت مذکور، مصداقی از شرکت شیطان و آثار آن بیان شده است.

۴. تفصیل مطالب داستان‌های قرآنی و امثال آن

قرآن کریم، به تفصیل مطالب داستان‌های قرآنی و اعتقادات و احکام نپرداخته و آن را به عهده نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نهاده است تا در فرصت‌های مناسب، مانند پاسخگویی به سؤالات مؤمنان و یا در ابتدا برای تبیین مقصود از آیه، بیان فرماید. حضرت امیر علیه السلام نیز برای بیان مقصود آیات، گاهی تفصیل مطالب را از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. در تفسیر آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَكُم تَسْؤِكُمْ» (مائده/۱۰۱)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی پرسش نکنید که اگر بر شما آشکار گردد، شما را اندوهگین می‌کند، از علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ضمن خطبه‌ای فرموده است (فضل بن حسن طبرسی. همان. ج ۳. ص ۳۸۶):

خدا حج را بر شما واجب کرده است. عکاشه بن محصن و بنا به گفته‌ای، سراقه بن مالک پرسخت و گفت: «آیا در هر سال، ای رسول خدا؟» حضرت پاسخی نداد تا اینکه دو یا سه بار سؤال [را تکرار] کرد و آن‌گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وای بر تو! چرا این همه اصرار می‌کنی؟ اگر در جواب تو بگویم: بلی، حج در همه سال بر شما واجب می‌شود و اگر در همه سال واجب باشد، توانایی آن را نخواهید داشت و چنانچه با آن مخالفت کنید، گناهکار خواهید بود. بنابراین مادام

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

که چیزی به شما نگفته‌ام آن را ترک کنید و روی آن اصرار نوزید، زیرا [از] اموری که باعث هلاکت [بعضی از] اقوام گذشته شد، این بود که از پیامبرشان زیاد سؤال کردند. بنابراین هنگامی که به شما دستوری می‌دهم، به اندازه توانایی خود آن را انجام دهید و هنگامی که شما را از چیزی نهی می‌کنم، [از عمل به آن] خودداری ورزید.

بنابراین، ملاحظه می‌شود در حدیث مذکور، تفصیل شأن نزول آیه بیان شده است.

ب. امام علی علیه السلام می‌فرماید: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قسم به کسی که جانم در دست او است، وقتی که پرهیزکاران از قبرهایشان خارج می‌شوند، با مَرَكَب (شتر)های سفیدی که بال‌ها و رحل‌های طلایی دارند، به استقبالشان می‌آیند.

سپس حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید که رسول خدا پس از آن، آیه کریمه «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» (مریم/۸۵)، [باد کن] روزی را که پارسایان را دسته‌جمعی [و با احترام] به سوی [خدای] گسترده‌مهر، گردآوری می‌کنیم، را تلاوت فرمود (فخر رازی. همان. ج ۷. ص ۵۶۵).

ابن ابی دنیا و ابن ابی حاتم نیز از علی علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردم که آیا «وَفْدًا»، غیر از «رَكَبًا» (مَرَكَب) است؟ حضرت فرمود:

قسم به خدایی که جانم در دست او است، وقتی که آنها از قبرهایشان خارج شوند، با شترهای سفیدی که بال‌ها و رحل‌هایی دارند، به استقبالشان می‌آیند... هر قدمشان همانند یک چشم برهم زدن است و به در بهشت می‌رسند، در حالی که حلقه‌ای از

یا قوت سُرخ بر روی طلا است و درختی بر در بهشت است که از اصل آن دو چشمه جاری است و وقتی که از یکی از آنها می‌نوشتند، درون شکم‌هایشان را از ناپاکی تمییز می‌کنند و هنگامی که از دیگری غسل می‌کنند، بعد از آن، هرگز موها و پوست‌هایشان تغییر نمی‌یابد (آلوده نمی‌شود)....

سپس درباره برخی دیگر از نعمت‌های بهشتی بتفصیل سخن می‌گوید، مانند حور و کاخ‌های بزرگ و تخت‌های مُزَّین و نهرهای جاری صاف از آب و شیر و شراب و عَسَلِ مُصَفَّایی که از شکم زنبور عسل خارج نشده است، و میوه‌ها و مرغ‌های بهشتی و.... آن‌گاه حضرت می‌فرماید که به او می‌گویند: «سلام بر تو باد: «تِلْکُمْ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (اعراف/۴۳)، این بهشت است که آن را به سبب آنچه همواره انجام می‌دادید به ارث داده شدید» (هندی. همان. ج ۲. ص ۴۶۳. ح ۴۵۰۲؛ سیوطی. همان. ج ۴. ص ۵۰۸).

در روایت مشابهی که علی بن ابراهیم با اسنادش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، آمده است که امیر مؤمنان علیه السلام درباره تفسیر آیه کریمه ۸۵ از سوره مبارکه مریم، از رسول خدا پرسید و حضرت فرمود:

«ای علی! «وَقَدْ»، جز به صورت سواره نیست. آنها کسانی هستند که نسبت به خدا تقوا پیشه کردند و پروردگار دوستشان داشت و مخصوصشان قرار داد و از اعمالشان راضی شد و آنها را «مُتَّقین» نامید.... آنان از قبرهایشان خارج می‌شوند، در حالی که صورتشان همانند برف سفید است و لباس‌هایی همانند سفیدی شیر دارند و....

سپس به حدیث دیگری اشاره می‌کند که در آن به نعمت‌های بهشتی پرداخته شده است، همان‌گونه که در روایت عامه نیز نقل شد و در خصوص دو نهر فرمود:

مقداری از آن چشمه می‌خورند و خدا دل‌هایشان را از حسد پاک می‌کند و موهای

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

روی پوستشان می‌ریزد که این همان قول خدا است که فرمود: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (انسان/۲۱)، و پروردگارشان، شراب پاک و پاک‌کننده به آنان می‌نوشاند. آن گاه از این چشمه پاک‌کننده، به سوی چشمه سمت چپ درخت می‌روند و در آن غسل می‌کنند که آن، چشمه حیات است. پس هرگز نمی‌میرند. سپس آنان را در مقابل عرش نگاه می‌دارند، در حالی که از آفات و مرض‌ها و حرارت و سرما در امان‌اند. آن گاه خدای جبار به ملائکه همراه متقین می‌فرماید: اولیای مرا به بهشت روانه سازید و آنها را به همراه خلائق نگاه ندارید، چرا که رضایت من بر آنان سبقت گرفته و رحمتم بر آنها واجب شده است؛ پس چه گونه ایشان را با اصحاب حسنات و سیئات نگاه دارم؟ سپس ملائکه آنها را وارد بهشت می‌کنند و وقتی که ملائکه، حلقه در بهشت را می‌زنند و حوریانی که خدا برای اولیانش خلق کرده است صدای آن را می‌شنوند، می‌گویند: اولیای خدا آمدند. پس در بهشت برایشان باز می‌شود و آنان وارد آنجا می‌شوند... و همسران حوری و آدمی می‌گویند: مژحبا به شما، چه قدر شوق دیدارتان را داشتیم و اولیای خدا نیز همچون آن می‌گویند.



آن گاه امام المتقین علیه السلام از رسول خدا پرسید اینها چه کسانی‌اند؟ و حضرت در پاسخ فرمود (قمی ۱۴۱۲ ه.ق. ج ۲. ص ۲۷-۲۹؛ بحرانی. همان. ج ۵. ص ۱۴۵-۱۴۶. ح ۱۲-۱۳؛ کلینی. همان. ج ۸. ص ۹۵. ح ۶۹؛ با اندکی تفاوت):

ای علی! اینها شیعیان تو و شیعیان ما هستند که در ولایت تو مخلص‌اند و تو امامشان هستی و آن، سخن خدا است که فرمود: «يَوْمَ نَخْشُرُ الْمُتَّقِينَ وَفِدَاءً».

ج. از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که این کلام را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم استماع فرمود (هندی. همان. ج ۲. ص ۴۸۳. ح ۴۵۵۹): هر روزی، نخسی (نامبارکی) دارد. پس با صدقه دادن، نامبارکی آن روز را از خود دفع کنید... و موضع خَلْف را بخوانید که من از خدای متعال شنیدم که فرمود: «وَمَا

أَنْتَقَمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهَوَّ يَخْلِيفُهُ» (سبأ/۳۹)، و هر چیزی که [در راه خدا] مصرف می‌کنید، او [عوض] آن را جانشین می‌کند، و اگر انفاق نکرده باشید، چه گونه جانشین می‌شود؟!

د. در حدیثی طولانی از امام علی علیه السلام نقل شده است که در پاسخ به کسی که برخی از آیات برایش مشتبه شده بود، فرمود: «و اما در خصوص سخن خدای عز و جل که می‌فرماید: «فَاُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر/۴۰)، پس آنان داخل بهشت می‌شوند، در حالی که در آنجا بی‌شمار «روزی» داده خواهند شد، نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خدای عز و جل می‌فرماید: «بتحقیق کرامتم محقق شد - یا مودتم محقق شد - برای کسی که مراقب من باشد و دوست داشته باشند به جلالم، چهره‌هایشان در روز قیامت از نوری از منابری از نور است، و بر اندامشان لباس سبزه‌نگی است».

سؤال شد: آنها چه کسانی اند ای رسول خدا؟ فرمود:

[آنها] انبیا و شهدا نیستند و لکن آنان دوست گرفتند به جلال خدا، و بدون حساب داخل بهشت می‌شوند. از خدا می‌خواهیم که به رحمتش ما را از آنها قرار دهد. (حویزی. همان. ج ۴. ص ۵۲۰. ح ۴۸؛ شیخ صدوق. التوحید. «باب الرد علی

الثنویه». ص ۲۶۸)

ه. از مولای متقیان علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری/۳۰)، و هر مصیبتی به شما رسد، پس به خاطر دستاورد شما است! و بسیاری [از خطاهای شما] را می‌بخشد، نقل شده است که رسول خدا فرمود (فضل بن حسن طبرسی. همان. ج ۹. ص ۴۷؛ مشابه آن در: قمی. همان. ج ۲. ص ۲۴۹؛ فخر رازی. همان. ج ۹. ص ۶۰۰؛ سیوطی. همان. ج ۵. ص ۷۰۶؛ بحرانی. همان. ج ۷. ص ۹۱. ح ۹؛ کلینی. همان. ج ۲. ص ۳۲۳. ح ۶؛ قبانجی. همان. ج ۲. ص ۲۲۸؛ احمد

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

بن حنبل. همان. ج ۱. ص ۸۵؛ هندی. همان. ج ۲. ص ۴۹۷. ح ۴۵۹۰:

این آیه، بهترین آیه کتاب خدا است. ای علی! هیچ خراش چوب و به پا خوردن سنگی نیست جز به سبب گناهی، و آنچه خدا در دنیا بینشد، پس خدا گرامی تر از آن است که در خصوص آن، دوباره عقاب کند و آنچه در دنیا به خاطر آن عقابتش نماید، عادل تر از آن است که بار دیگر بر بنده اش عقاب کند.

و. ذیل تفسیر آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ» (زخرف/۸۴)، و او کسی است که در آسمان و زمین، معبود است، و او فرزانه دانا است، آمده است که اُسقف نصرانی از عُمَر پرسید: «خدا کجا است؟» و عُمَر خشمگین شد. سپس علی علیه السلام فرمود (بحرانی. همان. ج ۷. ص ۱۵۳. ح ۳، به نقل از خصائص امیر المؤمنین. ص ۹۲):

من پاسخ تو را می دهم، هر چه می خواهی پرس. روزی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که فرشته ای آمد و سلام کرد، حضرت از او پرسید: از کجا فرستاده شده ای؟ گفت: از هفت آسمان از نزد پروردگارم. سپس فرشته ای دیگر آمد و سلام داد، آن حضرت به او [نیز] گفت: از کجا فرستاده شده ای؟ گفت: از هفت زمین از نزد پروردگارم. آن گاه فرشته ای دیگر آمد و سلام داد و رسول خدا همچنان سؤال فرمود: از کجا فرستاده شده ای؟ گفت از محل طلوع خورشید از نزد پروردگارم. پس از آن، فرشته دیگری آمد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او نیز فرمود: از کجا فرستاده شده ای؟ گفت: از محل غروب خورشید از نزد پروردگارم؛ پس خدا آنجا و [هر] جای دیگر است. در آسمان و زمین، معبود است، و او حکیم و دانا است.

در اینجا مشاهده می شود که با تفصیل یک نمونه، مقصود از آیه روشن شده است.



۵. بیان تأویل آیه با استفاده از سنت نبوی

بعضاً امام علی علیه السلام، تأویل آیه را با استناد به حدیث نبوی بیان می‌فرماید و از آن جمله است آنچه از امام صادق علیه السلام - به نقل از پدرانش - از علی بن ابی طالب علیه السلام است که فرمود: به رسول خدا گفتم که مرا از سخن خدای عز و جل در آیه کریمه «وَكَانَ كَثْرًا هُمْ» (کهف/۸۲)، و زیر آن، گنجی برای هر دو وجود داشت، خبر ده که آن، چه گنجی بود که خضر علیه السلام دیوار آن را ساخت؟ رسول الله فرمود (قیانجی). همان. ج ۲. ص ۱۳۵، به نقل از الجعفریات. ص ۲۲۷؛ نوری. همان. ج ۱۱. ص ۱۹۶. ح ۱۲۷۲۸؛ مجلسی. همان. ج ۱۷. ص ۳۴ و ۱۴۱؛ هندی. همان. ج ۲. ص ۴۵۵. ح ۴۴۸۸؛ سیوطی. همان. ج ۴. ص ۴۲۵؛ شیخ صدوق ۱۳۶۱ هـ. ش. ج ۱. ص ۲۰۰):

ای علی! [آن] علمی است مدفون در لوحی از طلا که در آن نوشته شده: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَنَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ». شریکی برای من نیست، محمد فرستاده خدا و بنده من است که به واسطه او پیامبرانم را پایان می‌بخشم. عجب از کسی که به وجود آتش [جهنم] یقین دارد و می‌خندد، عجب از کسی که به مرگ یقین دارد و شادمان است، عجب از کسی که دنیا و گردش و نابودی اهلش را می‌بیند و سپس به آن اطمینان می‌کند، و عجب از کسی که به قدر، یقین دارد و تأسف می‌خورد و عجب از کسی که به حساب فردا [بی‌قیامت] یقین دارد و عمل [صالح] انجام نمی‌دهد.

۶. بیان شأن نزول آیه با استفاده از سنت نبوی

گاهی حضرت امیر علیه السلام آیه را با بیان شأن نزول آن که از رسول خدا نقل می‌کند، تفسیر می‌فرماید و از آن جمله است آنچه در تفسیر آیه شریفه «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ» (اسراء/۶۰)، و [ما] خوابی که به تو نمایانندیم،

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم، آمده که فرمود (فیض کاشانی- همان. ج ۴. ص ۴۲۴؛ قبانجی. همان. ج ۲. ص ۱۳۰، به نقل از صافی و احتجاج):

همانا معاویه و پسرش بعد از عثمان می آیند، سپس هفت تن از فرزندان حکم بن ابی عاص یکی پس از دیگری می آیند و امامان دوازده گانه ضلالت را تکمیل می کنند و آنها، همان هایی اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم [در عالم رؤیا] بر منبرش دید و آنها امت را به عقب و سیر قهقرایی می کشانند. ده تن از اینان از بنی امیه اند و دو نفر، این حکومت را برایشان تأسیس کردند و بر آن دو است همانند همه گناهان این امت تا روز قیامت.

تفصیل حدیث، در روایت دیگری چنین است که حضرت علی علیه السلام در ادامه فرمود (قبانجی. ج ۲. ص ۱۳۱، به نقل از دارالاسلام. ج ۱. ص ۴۸؛ اثبات الهداة. ج ۱. ص ۴۷۷؛ مفتاح الصحیحة الكاملة. ص ۸۰؛ حویزی. همان. ج ۵. ص ۶۲۲): -

این آیه، بنی امیه را قصد کرده است. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای جبرئیل! آیا این امر در عهد و زمان من واقع خواهد شد؟» جبرئیل سر السلام گفت: «نه».

۷. استفاده از حدیث نبوی در بیان امور تاریخی و پیشگویی آینده

در بین احادیثی که امیر مؤمنان علیه السلام به نقل از رسول خدا در تفسیر آیات بیان کرده است، روایاتی دیده می شود که در آنها وقایع تاریخی زمان نزول آیات و همچنین پیشگویی هایی از آینده، آمده است و ما در اینجا به ذکر دو نمونه از این گونه روایات می پردازیم:

الف. در تفسیر آیه کریمه «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (نصر / ۱)، از علی علیه السلام نقل شده است که فرمود (هندی. همان. ج ۲. ص ۵۹۹ ح ۴۷۲۵):

خدا به هنگام نزول «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ»، از مرگ رسول الله خبر داد و فتح در



سال هشتم هجرت آن حضرت بود. در سال نهم هجری، قبایل [برای ایمان آوردن] به سوی او با شتاب آمدند. رسول خدا نیز ندانست که اجلس چه موقع از شب یا روز است، پس به همان اندازه عمل کرد و سنت‌ها را توسعه داد و واجبات را محکم ساخت و رخصت‌ها را آشکار بیان کرد و بسیاری از احادیث را نسخ فرمود و غزوه تبوک را انجام داد و همانند کسی که می‌خواهد خداحافظی کند، عمل کرد.

ب. از امیر مؤمنان علیه السلام نقل است هنگامی که سوره مبارکه فتح بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، حضرت فرستاده‌ای نزد وی گسیل کرد و فرمود (هندی. همان. ح ۴۷۲۶):

یا علی! بتحقیق یاری و پیروزی از سوی خدا آمد و دیدی که مردم، دسته‌دسته وارد دین خدا می‌شوند. پس پروردگام را با حمدش تسبیح کردی و استغفار نمودی. همانا که او توبه‌پذیر است، و همانا خدا بر مؤمنان، جهاد را در فتنه بعد از من واجب کرده است. گفتند: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم! چه گونه با آنها جنگ کنیم، در حالی که می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم؟» رسول خدا فرمود: [با آنها جنگ کنید] به سبب احداث در دینشان، و کسانی که در دین خدا نوآوری و بدعت آورند، هلاک شده‌اند.

۸. استفاده از حدیث نبوی برای تطبیق

گاهی از احادیث نبوی نه برای تفسیر، که برای تطبیق استفاده می‌شود و از آن جمله است آنچه اصبع بن نیاته از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که فرمود (ابن شهر آشوب. همان. ج ۱. ص ۳۴۶. «باب الآیات المنزلة الفهیم»؛ حویزی. همان. ج ۵. ص ۵۴۰. ح ۳):

نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودم که از ائمه سؤال شد و حضرت، آیه شریفه «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (بروج/۱)، قسم به آسمان که دارای برج‌ها است، را

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

تلاوت کرد و فرمود: «تعداد ائمه به تعداد بُرج‌ها است و تعدادشان به تعداد ماه‌ها».

۹. تفسیر با حدیث نبوی، به منظور تقیید مطلق

بعضاً در حدیث نبوی، کلمه‌ای که در آیه به طور مطلق بیان شده، قید خورده است و در این باره می‌توان به روایت امام علی علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» (قصص/۸۵)، قطعاً کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به سوی بازگشتگاه باز می‌گرداند، اشاره کرد که رسول الله فرمود: «[مقصود،] معاد ما به بهشت است» (هندی. همان. ج ۲. ص ۴۷۸. ح ۴۵۴۷).

البته برخی مقصود را از معاد مکه دانسته‌اند.

۱۰. استفاده از حدیث نبوی برای تبیین احکام فقهی

در بعض موارد، امیر مؤمنان علیه السلام احادیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که در آن، احکام فقهی تبیین شده است. مانند آنچه حاکم نیشابوری (ج ۲. ص ۲۳۱. ح ۶۳۸/۳۵۰۱) با سندش از آن حضرت نقل کرده است که رسول الله آیه کریمه «وَأَتَوْهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور/۳۳)، و از مالِ خدا که به شما داده، به آنان بدهید، را تلاوت کرد و فرمود:
به مکاتب^۱ یک‌چهارم تعلق می‌گیرد.

۱۱. تفسیر به بیان آثار در تفسیر به سنت

برخی از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آثار آیات قرآن را بیان می‌کند که حضرت علی علیه السلام آنها را نیز متذکر شده است، نظیر آنچه ابونعیم به نقل از ایشان می‌نویسد که رسول خدا از جبرئیل علیه السلام نقل

۱. بنده‌ای که مالکش با او قرارداد ببندد که اگر بهای خود را بپردازد، آزاد شود (دهخدا ذیل ماده «مکاتب»).

می‌کند که خدای عزّ و جلّ فرمود (سیوطی، همان، ج ۴، ص ۵۲۴؛ قبانجی، ج ۲، ص ۱۴۹، به نقل از حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۷۶):

«أَنْبِيَّ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» (طه/۱۴)، در حقیقت، من خود خدا هستم [و]

هیچ معبودی جز من نیست، پس مرا پرست، سپس رسول الله فرمود: «هر کس از شما با اخلاص شهادت دهد که معبودی جز خدا نیست، داخل حصن من می‌شود و هر کس داخل حصن من شد، از عذابم در امان است».

مشاهده می‌شود که در روایت مذکور، آثار و برکات قول به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تبیین شده است.

۱۲. استناد تفسیر به حدیثی از رسول خدا

گاهی امام علی علیه السلام مطلبی را در تفسیر یک آیه بیان می‌دارد و برای تأیید سخن خود، حدیثی از رسول خدا می‌آورد، نظیر:

الف. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

خدا، آیه کریمه «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَغْدِلُونَ» (انعام/۱)، ستایش، مخصوص خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را قرار داد، سپس کسانی که کفر ورزیدند، برای پروردگارشان [شریک] مساوی قرار می‌دهند، را نازل کرد که ردّ سه طایفه در این آیه است: وقتی که فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ»، دهریه رد شدند که می‌گفتند: اشیا، آغازی ندارند و دایمی‌اند. سپس فرمود: «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»، در ردّ ثنویه است که معتقد بودند: نور و ظلمت، دو مدبّر هستند. آن‌گاه فرمود: «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَغْدِلُونَ»، در ردّ مشرکان عرب بود که می‌گفتند: بت‌های ما، خدایان‌اند. سپس خدا «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص/۱) را نازل کرد که در آن، ردّ همه کسانی بود که به غیر از پروردگار



علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

متعال، به ضدّ و ندّ قایل بودند.

آن گاه حضرت امیر علیه السلام برای تأیید کلام خویش، فرمود (تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۴۲ ح ۳۲۴؛ بحرانی، همان، ج ۳، ص ۴۰۳ ح ۲۰۱ و ۲۰۹): پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اصحابش فرمود: «بگویند: «إِسَّاكَ نَعْبُدُ» (حمد/۶)، یعنی یک خدا را عبادت می‌کنیم، و همانند دهریه نمی‌گوییم که ابتدایی برای اشیا نیست و آن، دایمی است؛ و همانند ثنویه نمی‌گوییم که نور و ظلمت، دو مدبّرند؛ و نه همانند مشرکان عرب می‌گوییم که: بُت‌هایمان، الهه‌اند. پس چیزی را شریک تو قرار نمی‌دهیم و به غیر از تو، کسی را به عنوان معبود نمی‌خوانیم، همچنان که آن کافران می‌گویند؛ و همانند یهود و نصاری نیز نمی‌گوییم که تو فرزندی داری، [زیرا] تو از این امر، بلندمرتبه‌تر هستی و فاصله زیادی داری».

ب. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه‌ای از فاتحة الكتاب، و آن هفت آیه است که با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تمام می‌شود. سپس فرمود: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود: خدا به من فرمود: ای محمد! «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ» (حجر/۸۷)، و بیقین هفت [آیه از سوره حمد را با نزول دوباره] و قرآن بزرگ را به تو دادیم.

آن گاه رسول خدا فرمود:

پس مرا به تنهایی برای فاتحة الكتاب منت گذاشت و آن را در مقابل قرآن عظیم قرار

داد». (شیخ صدوق، همان، ج ۱، ص ۶۰۹ ح ۵۵)

۱۳. استفاده از تمثیل‌های نبوی

گاه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با استفاده از تمثیل، آیات را

تفسیر کرده است، نظیر آنچه علی علیه السلام از ایشان شنید که می فرمود:
 امیدبخش ترین آیه قرآن، این آیه کریمه است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا
 مِنْ أَيْلٍ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّاكِرِينَ» (هود/۱۱۴)، در
 دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دار. [چرا] که نیکی ها، بدی ها را [از میان]
 می برد [و] این یادآوری برای یادآوران است.

سپس فرمود:

ای علی! قسم به خدایی که مرا بحق بشیر و نذیر مبعوث کرد، هرگاه یکی از شما به
 وضو می پردازد از جوارحش گناهان می ریزد و وقتی که با چهره و قلبش رو به خدا
 کند از نمازش فارغ نمی شود، و در حالی که گناهی داشته باشد همانند زمانی است که
 مادرش او را به دنیا آورد....

آن گاه نمازهای پنجگانه را شمرد و فرمود:

ای علی! نمازهای پنجگانه برای امت هم مانند نهری است که از در یکی از شما جاری
 است. پس چه گمان می کنید درباره کسی که در جسمش ناپاکی باشد و پنج بار در هر
 روز در این نهر غسل کند؟ آیا پلیدی در جسم او باقی می ماند؟ پس قسم به خدا که
 نمازهای پنجگانه برای امت من چنین است. (بحرانی. همان. ج ۴. ص ۱۵۱. ح ۱۱؛
 عیاشی. همان. ج ۲. ص ۳۲۵. ح ۷۵/۲۰۶۱)

از روایت استفاده می شود که نمازهای روزانه، همانند آبی است که آدمی پنج
 بار در هر روز خود را در آن می شوید و تطهیر می شود.

۱۴. روایات غیر صحیح منقول از رسول خدا

در میان روایات منقول از امیر مؤمنان علیه السلام - به نقل از رسول خدا - برخی
 صحیح به نظر نمی رسد و با مبانی اعتقادی و عقلی نیز سازگار نیست که در اینجا
 به چند نمونه اشاره می کنیم:

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

الف. از امام علی علیه السلام نقل است که مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رفت و گفت: «ای محمد! از خدایت که به آن می خوانی، برایم بگو. آیا از یاقوت است یا از طلا؟ [آن] چیست؟» پس صاعقه ای آمد و با سائل برخورد کرد و او را سوزاند و خدا آیه کریمه «و یُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ» (رعد/۱۳)، و آذرخش ها را می فرستد و باران را، [و] هر کسی را بخواهد مورد اصابت قرار می دهد، را نازل کرد (سیوطی. همان. ج ۴. ص ۹۹؛ هندی. همان. ج ۲. ص ۴۴۱. ح ۴۴۴۵).

توضیح اینکه روایت مذکور، با روح قرآن شریف و عقل سازگاری ندارد و در سنت الهی نیست که خدای متعال کسی را که ایمان نیاورد، در دنیا عذاب کند. لذا اگر حدیث را صحیح بدانیم، باید قرینه هایی هم داشته باشیم که گویای مطلبی فراتر از فقد ایمان باشد تا موجب عذاب دنیوی گردد و چنین قراینی موجود نیست.

ب. از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا فرمود: «وقتی که آیه شریفه «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (زمر/۳۰)، مُسَلِّماً تو می میری و حتماً آنان [نیز] می میرند، نازل شد، گفتم: «پروردگارا! آیا همه مخلوقات می میرند و انبیا باقی می مانند؟» پس [در پاسخ] آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت/۵۷)، هر شخصی چشنده مرگ است؛ آن گاه فقط به سوی ما بازگردانده می شود، نازل شد (هندی. همان. ج ۲. ص ۴۹۱. ح ۴۵۷۸، به نقل از ابن مردویه).

در اینجا با توجه به اینکه آیه شریفه ۳۰ از سوره مبارکه زمر تصریح می فرماید که «تو نیز می میری»، پس پرسش مذکور معقول به نظر نمی رسد و نمی توان هم پذیرفت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از آن جمله، همچنان بپرسد که «آیا مردم می میرند و انبیا باقی می مانند؟»

ج. از امیر مؤمنان نقل است که حضرت خدیجه سلام الله علیها از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص دو فرزندی که در جاهلیت از دنیا رفته اند، پرسید و حضرت فرمود: «آن دو در آتش اند»، و آن گاه که ناراحتی را در چهره خدیجه کبرا سلام الله علیها دید، فرمود: «اگر جایگاه آنها را ببینی، به ایشان بغض و دشمنی می کنی». سپس خدیجه سلام الله علیها پرسید: «ای پیامبر خدا! فرزند من از تو [چه جایگاهی دارد]؟» حضرت فرمود: «در بهشت است» و سپس فرمود:

همانا مؤمنین و اولادشان در بهشت اند و همانا مشرکین و اولادشان در آتش اند.

آن گاه آیه کریمه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (طور/۲۱)، و کسانی که ایمان آوردند و نسل آنان در ایمان از آنها پیروی کردند، نسلشان را به آنان ملحق سازیم، را قرائت فرمود (هندی. همان. ج ۲. ص ۵۱۲. ح ۴۶۲۳؛ احمد بن حنبل. همان. ج ۱. ص ۱۳۵).

ملاحظه می کنیم که آیه کاملاً گویا است، به این معنا که خدای متعال فرزندان باایمان مؤمنان را به آنان ملحق می کند. ولی سخن منسوب به رسول خدا که کلی و به طور مطلق عنوان شده است، صحیح به نظر نمی رسد، چرا که دلیلی بر الحاق فرزندان مشرک به پدرانشان نیست. مگر اینکه آنها نیز مشرک شده باشند که در این صورت هم به جهنم رفتنشان به واسطه الحاق به پدرانشان نیست، بلکه به سبب شرک خودشان است و اما الحاق فرزندان مؤمنان به پدرانشان نیز اگر مشرک شوند، صحیح نیست و اگر غیر مکلف باشند، از روی لطف خواهد بود. جالب این که ابن جوزی نیز <در جامع المسائید> می گوید در سند این حدیث، محمد بن عثمان است که حدیثش مقبول نیست و حدیثی در تعذیب اطفال، صحیح نیست (هندی. همان. ج ۲. ص ۵۱۲، ذیل ح ۴۶۲۳).



د. شیخ صدوق < در امالی > از علی علیه السلام در تفسیر سوره مبارکه کوثر نقل می‌کند که فرمود (حویزی. همان. ج ۵. ص ۶۸۲، به نقل از امالی):

به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتم: دیشب از فاطمه دختر رسول الله جُئِب شدیم و در منزل آب جُستم و نیافتم و حسن و حسین علیهما السلام را به دنبال آب فرستادم و دیر کردند. پس به پشت دراز کشیدم که هاتقی صدا زد: «ای علی! برخیز و سطل را بگیر و غسل کن». در آن حال خود را نزد سطلی پر از آب یافتم که در آن دستمالی از حریر بود. سطل را گرفتم و غسل کردم و با دستمال بدنم را مسح کردم و آن را بر وسط سطل نهادم. پس سطل در هوا قرار گرفت و از آن جرعه‌ای ریخت و بدنم را در برگرفت و سردی آن را با دلم احساس کردم... پیامبر خدا فرمود: «ای پسر ایی طالب! مبارک باد بر تو که جبرئیل خادم تو شده است. اما آب از کوثر است و سطل و دستمال از بهشت. اینچنین جبرئیل مرا خیر رسانده است».



توضیح اینکه کلیت موضوع ممکن است صحیح باشد، ولی در جزئیات روایت مطالبی عنوان شده است که صدور آن را از معصوم علیه السلام بعید می‌نماید، چه آنکه:

۱. شخص عادی عاقل، حیا می‌کند و به پدر همسرش نمی‌گوید که دیشب با دخترت جماع کردم و جُئِب شدم، تا چه رسد به معصوم علیه السلام که مملو از حیا است؟

۲. آب ریختن جبرئیل بر سر امام علی علیه السلام و رؤیت بدن برهنه ایشان نیز معقول به نظر نمی‌رسد؟

۳. دو طفل را در نیمه شب به سراغ آب فرستادن نیز معقول نیست.

در تأیید سخن ما باید گفت که غالب مفسران معتبر شیعی، همچون شیخ طوسی، عیاشی، علی بن ابراهیم، طبرسی، فیض کاشانی، و حتی متأخرانی نظیر

علامه طباطبایی و مکارم شیرازی، علاوه بر مفسران عامه، متذکر این روایت نشده‌اند؛ گرچه بحرانی (همان. ج ۸. ص ۴۰۲) موضوع را از تاویل الآیات محمد بن عباس، به گونه‌ای مقبول‌تر، چنین نقل می‌کند:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز صبح را خواند و رو به امام علی علیه السلام کرد و فرمود: «ای علی! این چه توری است که می‌بینم تو را دربر گرفته است؟» علی علیه السلام عرض کرد: «ای رسول خدا! امشب جُثب شدم [و] در منزل سراغ آب گشتم و نیافتم. پس وقتی که برگشتم، یک منادی مرا صدا زد: «ای امیر مؤمنان!»، و [آن گاه که به سوی صدا معطوف شدم] پشت سرم، ظرفی پر از آب یافتم و... [یا آن] غسل کردم». نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای علی! اما منادی، جبرئیل علیه السلام و آب از نهری بود که به آن کوثر گفته می‌شود و در کنار آن دوازده هزار درخت است که هر کدام از آنها ۳۶۰ شاخه دارد. وقتی که اهل بهشت بخواهند از نوای دلنشین استفاده کنند، بادی می‌وزد و هیچ درخت و شاخه‌ای نیست جز اینکه صدایش شیرین‌تر (دل چسب‌تر) از دیگری است... و آن (نهر) برای من و تو و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام است و کس دیگر بهره‌ای از آن ندارد».

نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های تفسیری ائمه معصوم علیهما السلام و بخصوص امیر مؤمنان علیه السلام، تفسیر قرآن کریم به سنت نبوی بوده است و چون همه جزئیات احکام و اعتقادات و اخلاق اسلامی در قرآن مطرح نشده، تفسیر و تبیین آن به عهده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نهاده شده است و امام علی علیه السلام، به عنوان خصوصی‌ترین شاگرد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

علی علیه السلام و تفسیر قرآن با استفاده از سنت ...

سَلَم، از فرصت همراهی آن حضرت بهترین استفاده‌ها را برده و نتیجه آن را ضمن روایات و حُطَبی بیان فرموده که در گشودن ابهام‌های تفسیری، بسیار کارساز است.

روایات تفسیری حضرت علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سَلَم، در قالب‌ها و موضوعات مختلفی عنوان شد و در بیش از ده مورد دسته‌بندی گردید و در نهایت به برخی از روایات نقل شده از آن حضرت که با قرآن و عقل سازگار نیستند، اشاره شد.

مآخذ

قرآن کریم. ۱۳۸۳ هـ ش. ترجمه رضایی اصفهانی و گروهی از فضلا. قم: دار الذکر.

نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.

ابن شهر آشوب مازندرانی، ابی جعفر بن علی. ۱۴۱۲ هـ ق. مناقب آل ابی طالب. تحقیق و تصحیح

یوسف بقاعی. بیروت: دار الاضواء.

احمد بن حنبل. مسند. بیروت: دار الفکر.

استرآبادی، سید شرف‌الدین علی حسینی. ۱۴۰۹ هـ ق. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره.

تحقیق حسین استادولی. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

جعفری، محمد تقی. ۱۳۵۷-۱۳۷۸ هـ ش. ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی.

بحرانی، سید هاشم. ۱۴۲۷ هـ ق. البرهان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸ هـ ش. تسنیم، تفسیر قرآن کریم. قم: نشر اسراء.

حاکم نیشابوری. ۱۴۰۸ هـ ق. المستدرک علی الصحیحین. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء. بیروت:

تحقيقات اسلامى

دار الكتب العلميه.

حرّ عاملى، محمد بن حسن. ١٤١٦ هـ ق. وسائل الشيعة. قم: مؤسسة آل البيت.
حويزى، عبده العلى بن جمعه عروسى. تفسير نور الثقلين. تحقيق و تعليق سيّد هاشم رسولى محلاتى.
قم: العلميه.

دهخدا، على اكبر. لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.

سيوطى، جلال الدين. ١٤١١ هـ ق. الدر المنثور. بيروت: دار الكتب العلميه.

صدوق، محمد بن على بن يابويه. ١٤١٧ هـ ق. الامالى. تحقيق مؤسسة البعثة. قم: مؤسسة البعثة.

_____ التوحيد. تصحيح سيّد هاشم حسينى طهرانى. قم: انتشارات جامعة مدرّسين.

_____ ١٣٧٣ هـ ش. عيون اخبار الرضا (ع). تصحيح على اكبر غفارى. تهران: نشر صدوق.

_____ ١٣٦١ هـ ش. معانى الاخبار. تصحيح على اكبر غفارى. قم: انتشارات اسلامى

جامعة مدرّسين حوزة علميه قم.

طباطبائى، محمد حسين. ١٤٢٥ هـ ق. الميزان فى تفسير القرآن. قم: انتشارات اسلامى جامعة

مدرّسين حوزة علميه قم.

طبرسى، فضل بن حسن. ١٤٠٨ هـ ق. مجمع البيان. تصحيح سيّد هاشم رسولى محلاتى و فضل الله

يزدى طباطبائى. بيروت: دار المعرفة.

طبرسى، احمد بن على بن ابى طالب. ١٣٨٠ هـ ش. احتجاج. انتشارات الشريف الرضوى.

طوسى، محمد. ١٣٨٤ هـ ق. امالى. با مقدمة بحر العلوم. نجف: المكتبة الدهليه.

عسكرى، امام حسن بن على. ١٤٠٩ هـ ق. التفسير. تحقيق مدرسة امام مهدي. قم: مدرسة المهدي.

عيّاشى، ابى نصر محمد بن مسعود. ١٤١٢ هـ ق. التفسير. تحقيق مؤسسة البعثة. قم: قسم الدراسات

الاسلاميه، مؤسسة بعثت.

فخر رازى، محمد. ١٤١٧ هـ ق. التفسير الكبير. بيروت: دار احياء التراث العربى.

فيض كاشانى، محمد بن مرقضى (محسن). ١٤١٩ هـ ق. كتاب الصافى فى تفسير القرآن. تحقيق سيّد

على عليه السلام و تفسير قرآن با استفاده از سنت ...

محسن حسینی امینی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی. ۱۳۸۳ هـ. ق. دعائم الاسلام. تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی. قاهره: دار المعارف.

قیانچی، سید حسن. ۱۴۲۱ هـ. ق. مستد الامام علی (ع). تحقیق شیخ طاهر سلامی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

قصی، علی بن ابراهیم. ۱۴۱۲ هـ. ق. تفسیر القصی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۲ و ۱۳۶۷ هـ. ش. کافی. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مامقانی، عبدالله. ۱۳۶۹ هـ. ش. مقیاس الهدایه. تلخیص و تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.

مجلسی، محمدباقر. ۱۳۶۶ هـ. ش. بحار الانوار. تهران: اسلامیه.

محمودی، محمدباقر. نهج السهاده فی مستدرک نهج البلاغه.

مشکینی، علی. ۱۴۰۹ هـ. ق. اصطلاحات الاصول و معظم ابحانها. قم: نشر الهادی.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۹-۱۳۸۳ هـ. ش. پیام امام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نوری، حسین. ۱۴۰۸ هـ. ق. مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت.

هندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین. ۱۴۰۹ هـ. ق. کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.

